



A Phenomenological Exploration basic competencies of teachers to achieve the domain Islamic (ideological) and moral education

Fatemehsadat Mosavinodushan ¹ | Mohammad Reza Nili ²
| Mohammad Reza Neyestani ³

58

Vol. 31
Spring 2023

Research Paper

Received: 21 August 2021
Revised: 21 October 2021
Accepted: 27 February 2023
Published: 22 May 2023

P.P: 271-298

ISSN: 2251-6972
E-ISSN: 2645-5196



Abstract

The main purpose of this study is to identify the Basic competencies of teachers to achieve the domain Islamic (ideological) and moral education. In order to achieve this objective, the present study is based on a qualitative research approach and has used the Phenomenological method to answer the questions. The statistical population included three groups teachers of teacher training centers, faculty members of the departments of educational sciences and Islamic Studies of Isfahan and Yazd universities and experts in Islamic theological. Purposive sampling method based on snowball was continued until the researcher reached a theoretical saturation using semi structured interviews with 22 members of the sample. After transcribing the interviews, in order to analyze the information coding and categorization methods were used. According to the experts, the Basic competencies of teachers in in the domain Islamic (ideological) education include categories of religious insight and love and in the Worship dimensions categories competencies expected is Worship insight, Worship tendency and Worship behavior and three categories of moral cognition, moral feeling and moral behavior are the competencies expected in moral education

.Keywords: competency, Islamic (ideological) education, moral education, teachers.

DOR: 20.1001.1.22516972.1402.31.58.2.2

1. Department of Education and Psychology, faculty of Education. Isfahan University.
sabamosavi@ymail.com
2. Department of Education, Faculty of Education ans Physiology, Isfahan University, Isfahan
m.nili.a@edu.ui.ac.ir
3. Department of Education, Faculty of Education ans Physiology, Isfahan University, Isfahan.
m.neyestani@gmail.com

Publisher: Imam Hussein University

© Authors



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



کاوش پدیدارشناختی بر شایستگی‌های پایه آموزگاران برای تحقق ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی

فاطمه سادات موسوی ندوشن^۱ | محمدرضا نیلی^۲ | محمدرضا نیستانی^۳

۵۸

سال سی و یکم
بهار ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۳۰ مرداد ۱۴۰۰
تاریخ بازنگری: ۲۹ مهر ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۰۸ اسفند ۱۴۰۱
تاریخ انتشار: ۰۱ خرداد ۱۴۰۲
صص: ۲۹۸-۲۷۱

شاپا چاپ: ۶۹۷۲-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۵۱۹۶-۲۶۴۵



DOR: 20.1001.1.22516972.1402.31.58.2.2

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، شناسایی شایستگی‌های پایه آموزگاران برای تحقق ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی است. به منظور دست‌یابی به این هدف، پژوهش حاضر مبتنی بر رویکرد کیفی تحقیق است و برای پاسخ‌گویی به سوالات پژوهش از روش پدیدارشناختی بهره‌برده است. جامعه آماری شامل سه گروه مدرسان مراکز تربیت معلم، اعضای هیات علمی گروه‌های علوم تربیتی و معارف دانشگاه‌های اصفهان و یزد و کارشناسان علوم حوزوی بوده است. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند از نوع گلوله برفی، تا جایی ادامه یافت که پژوهشگر با استفاده از مصاحبه نیمه ساختار یافته با ۲۶ نفر از اعضای نمونه به اشباع نظری رسید. در تحلیل داده‌ها از تحلیل محتوای استقرایی، تکنیک شش مرحله‌ای آرباخ و سیلورستان استفاده شد. بر اساس نظر متخصصان، شایستگی‌های پایه آموزگاران در تربیت اعتقادی شامل بصیرت دینی و محبت و مودت است. بصیرت عبادی، گرایش عبادی و رفتار عبادی شایستگی‌های مورد انتظار در بعد عبادی می‌باشد و شناخت اخلاقی، احساس اخلاقی و رفتار اخلاقی شایستگی‌های مورد انتظار در تربیت اخلاقی است.

کلیدواژه‌ها: شایستگی؛ تربیت اعتقادی؛ تربیت عبادی؛ تربیت اخلاقی؛ آموزگاران.

m.nili.a@edu.ui.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری برنامه درسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۲. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۳. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) © نویسندگان



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مساله

تربیت انسان و آرزوی دستیابی وی به کمال، قدمتی به عمر انسان دارد و دغدغه‌ی بسیاری از صاحب نظران و اندیشمندان می‌باشد چرا که تربیت نقش منحصر به فردی در رشد و تعالی هر جامعه‌ای ایفا می‌کند. تربیت در لغت به معنای پروراندن، پرورش، آموختن، تادیب و سیاست، ترقی و برتری و احسان و تفقد به شاگرد و دیگر زیر دستان به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۵۷). در اصطلاح تعریف‌های متعددی از تربیت ارائه شده است که نشان از این دارد که تربیت هم‌چون بحری بی کرانه است. از جمله این تعاریف، مجموعه تدابیر و روش‌هایی که برای به فعلیت درآوردن استعدادها در ابعاد گوناگون انسان به کار گرفته می‌شود (شریعتمداری، ۱۳۹۹). پرورش استعدادهای انسان که این استعدادها عبارتند از استعداد عقلی (علمی و حقیقت جویی) استعداد اخلاقی (وجدان اخلاقی)، استعداد دینی (حس تقدس و پرستش)، استعداد هنری یا بعد زیبایی و استعداد خلاقیت، ابتکار و ابداع (شهید مطهری، ۱۳۹۸). در مبانی نظری سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی نیز تربیت این گونه تعریف شده است: فرایندی تعاملی که زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متریبان به صورت یک پارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی و به منظور هدایت دانش‌آموزان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد آدمی است (مبانی نظری تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی، ۱۳۹۰).

در حوزه تعلیم و تربیت، سند بنیادین تحول آموزش و پرورش، نقشه راه تحول آموزش و پرورش برای تحقق چشم انداز ایران ۱۴۰۴ است که با اتکا به آموزه‌های قرآن، اسناد بالادستی از جمله سند چشم انداز بیست ساله و نقشه جامع علمی کشور تنظیم شده است. یکی از عناصر بی بدیل در دستیابی متریبان به حیات طیبه و اجرایی شدن سند تحول و تحقق اهداف سند، معلم است. در بخش بیانیه ارزش‌ها در سند تحول، به نقش معلم (مربی) به عنوان هدایت کننده و اسوه‌ای امین و بصیر در فرایند تعلیم و تربیت و نیز موثرترین عنصر در تحقق مأموریت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی اشاره شده است. رسالت معلم، آفرینش است. معلم کارش بر نهادن انسان کامل و پرورش شکوه و عظمت نیروهای بالقوه‌ی آدمی است. معلم از میان تمام افراد

بشر، برگزیده شده است تا در آفرینش و شکفتن خویش و دیگران دست برد و انسانی به وجود آورد شایسته مقام انسانی (نیستانی، ۱۳۹۱: ۹۳). در سند تحول به دفعات، به ضرورت کسب و برخورداری از صلاحیت‌ها و شایستگی‌های مورد انتظار از معلمان پرداخته شده و نیز ضرورت سنجش و ارزشیابی و بهبود مستمر این شایستگی‌ها مورد توجه قرار گرفته است. شایستگی به معنای مجموعه‌ای از دانش، مهارت‌ها، توانایی‌ها، نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های ارزشی است که آموزگار باید به منظور عملکرد موفق در حرفه خویش و دستیابی به انتظارات مورد نظر از آن‌ها بهره‌مند گردد (چیانگ و تریزیس^۱، ۲۰۲۱). ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، مهم‌ترین ساحت از بین ساحت‌های شش‌گانه تربیت محسوب می‌گردد که نه تنها دارای هویتی مستقل است بلکه باید در تمامی ساحت‌های دیگر نیز بروز و ظهور داشته باشد (مبانی نظری سند تحول، ۱۳۹۰). همچنین این ساحت بیش از هر چیزی می‌تواند آرامش روحی و روانی را به انسان هدیه دهد و بستر شکوفایی استعدادها و گرایش به سوی کمال مطلق را فراهم آورد.

پیرامون نقش معلم در ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی باید گفت معلم دوره ابتدایی پیش از آن که ارائه دهنده مفاهیم و معانی دینی باشد نمونه‌ای در دسترس و تبلور یافته از آن مفاهیم است. به عبارت دیگر، دانش آموز ابتدایی، به معلم خود به مثابه یک الگوی کامل و اسطوره‌ای بی نقص از لطافت‌ها، زیبایی‌ها و معنویت‌ها نگاه می‌کند و در بسیاری موارد، حتی او را برتر و اسطوره‌ای‌تر از پدر و مادری که او را به دنیا آورده اند می‌داند. بنابراین نقش الگویی معلم تأثیری مهم در فرایند تغییرات احساسی، عاطفی، ارزشی و نگرش دانش آموز خواهد داشت (ترینکی، ۱۳۸۸: ۹۶). هیچ فردی بیشتر از معلم نمی‌تواند بر مدارس تأثیر بگذارد و اوست که می‌تواند تعلیم و تربیت را فرایندی توأم با لذت و کامیابی یا فرایندی بی‌تمرکز کند (مهرمحمدی، ۱۳۹۲). شناخت ظرفیت‌های وجودی متریبان، تکوین و تعالی هویت آنان و بسترسازی برای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه تنها بخشی از نقش محوری معلم را نشان می‌دهد. از این رو با افزایش وظایف معلمان و نقش محوری آنان در آموزش، شناسایی شایستگی‌های معلمان در ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی ضروری است اگر دانش آموز ابتدایی مفاهیم دینی و ارزشی را که در کلاس می‌آموزد، در عمل کرد معلم خود مشاهده کند، نه تنها از او به منزله‌ی

۱. Chiang & Trezise

یک الگو استفاده می‌کند بلکه برای پایداری شناختی، عاطفی و شخصیتی خود نیز بهره می‌گیرد ولی اگر دانش آموز آموخته‌های خود را در معلم نبیند، دچار ناهماهنگی و تضاد شناختی و ارزشی می‌شود بنابراین، لازم است معلم به مثابه در دسترس‌ترین الگوی تربیتی، نقش خود را برای دانش آموز ایفا کند. با توجه به اینکه تربیت دینی به شناخت آموزه‌های دین، تبدیل این شناخت‌ها به باورهای قلبی و به کار بستن این باورها در رفتارهای فردی و اجتماعی تعریف شده است، معلم می‌تواند با تقویت روحیه‌ی حق‌گرایی و قدرت تفکر و تشخیص حق از باطل در دانش‌آموزان، الگودهی رفتاری به آنان و انتخاب شیوه‌ی مناسب در بیان آموزه‌های دینی و پاسخ مناسب به پرسش‌ها و شبهه‌ها، دانش‌آموزان را در راستای تربیت دینی هدایت کند (داوودی، ۱۳۹۸).

در جریان تعلیم و تربیت، نقش معلم نسبت به سایر عناصر نظام آموزشی بسیار پررنگ‌تر است زیرا دانش‌آموزان در بیشتر اوقات، در مدرسه زیر نظر معلم فعالیت می‌کنند. معلم تنها دانش و معلومات خود را به دانش‌آموزان انتقال نمی‌دهد، بلکه تمام صفات، خلیات، ویژگی‌های اخلاقی و رفتار ظاهری خود را نیز به شاگردان منتقل می‌کند. دانش‌آموز معلم را شخصیتی برجسته می‌داند که او را در به کمال رساندن یاری می‌رساند. از آن‌جا که رسالت عظیمی بر دوش آموزگار است و نقش الگویی وی، کاملاً بدیهی است پس باید دارای شایستگی‌هایی باشد که بتواند آموزش و پرورش طراز جمهوری اسلامی ایران را فراهم سازد. بنابراین لازم است شایستگی‌های مورد انتظار از آموزگاران در ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی شناسایی گردد تا زمینه تحقق هدف‌های این ساحت در وجود دانش‌آموزان مهیا شود. مساله اصلی پژوهش حاضر پاسخ به این سوال اصلی می‌باشد که آموزگاران باید واجد چه شایستگی‌های پایه‌ای باشند تا بتوانند زمینه تحقق ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی سند تحول را در وجود دانش‌آموزان فراهم کنند.

مبانی نظری

سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی، مهم‌ترین سند بالادستی در آموزش و پرورش است که در مهرماه ۱۳۹۰ در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تدوین و تصویب رسید. در سند تحول از ابعاد مختلف وجودی متریبان با عنوان ساحت‌های تربیت یاد

می‌شود. در سایر منابع نیز به ساحت‌های متفاوت و مشترکی برای تربیت ادمی اشاره شده است به عنوان مثال سیلور، الکساندر و لوئیس (۱۳۹۲) در نوشتار خویش به واژه حیطة اشاره کردند که به معنای زمینه وسیع برنامه درسی است که می‌تواند به عنوان مجموعه‌ای از راهبردهای که حرکت را در مسیر مرزهای شکل بندی شده موضوعات درسی و فعالیت‌ها تسهیل می‌کند، تلقی شود. می‌توان گفت این واژه، با کلمه ساحت مندرج در سند تحول بنیادین قرابت معنایی دارد. آن‌ها چهار حیطة رشد شخصی، شایستگی اجتماعی، مهارت‌های یادگیری تداومی و تخصص را نام بردند. در سند تحول بنیادین شایستگی این چنین تعریف شده است: شایستگی‌ها مجموعه‌ای ترکیبی از صفات، توانمندی‌ها و مهارت‌های فردی و جمعی ناظر به همه جنبه‌های هویت است (مبانی نظری سند تحول، ۱۳۹۰: ۱۳۸) که در قالب شایستگی‌های پایه در جهت تقویت هویت مشترک (اعتقادی، اخلاقی، دانش پایه و ...) و شایستگی‌های ویژه در جهت هویت حرفه‌ای (مربیان) مشتمل بر اخلاق و تعهد حرفه‌ای، دانش تخصصی، دانش تربیتی و مهارت‌های تربیتی) تعریف شده است (همان: ۳۸۶). در غالب پژوهش‌ها، شایستگی را به مثابه ترکیبی از دانش عملی و نظری، مهارت‌های شناختی، رفتار و ارزش‌های به کار گرفته شده برای بهبود عملکرد قلمداد می‌کنند (رضایی، ۱۳۹۸: ۱۳۳).

در سند تحول، ساحت‌ها به شش قسمت تقسیم شده‌اند که تعلیم و تربیت دانش‌آموزان بر اساس آنها صورت خواهد گرفت. به بیان دیگر، رسالت آموزش و پرورش بر اساس سند تحول بنیادین، تربیت دانش‌آموزان در ساحت‌های شش‌گانه است تا در نهایت افرادی در تراز نظام جمهوری اسلامی بار آیند. ملکی (۱۳۹۱) با اشاره به وحدت جان بشر اظهار می‌دارد که وجود آدمی یک کل یکپارچه است و اجزا و عناصر آن در ارتباط متقابل با یکدیگر هستند. این وحدت به دلیل آن است که خالق آدمی، قدرت واحدی است که تصور تفکیک و تجزیه نیز در باره آن نمی‌توان داشت. لذا خلقت انسان یک کل واحد است و رشد او نیز باید به عنوان یک کل واحد در نظر گرفته شود و در درک مفهوم تربیت توجه به این وحدت ضرورت دارد. توجه به این وحدت، از طریق توجه به ساحت‌های مختلف انسان محقق می‌شود. ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است، ناظر به رشد و تقویت مرتبه قابل قبولی از جنبه دینی و اخلاقی حیات طیبه در وجود متریان و شامل همه تدابیر و اقداماتی که جهت پرورش

ایمان و التزام آگاهانه و اختیاری مترئیان نسبت به مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، اعمال و صفات اعتقادی، عبادی و اخلاقی و در راستای تکوین و تعالی هویت دینی و اخلاقی ایشان صورت می‌پذیرد؛ لذا قلمرو ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، ناظر به خودشناسی و معرفت نسبت به خداوند متعال، معاد، نبوت و پذیرش ولایت رهبران دینی [پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع)] و پیروی از ایشان است، که به حق برترین انسان‌های کامل در طول تاریخ هستند. هم‌چنین این ساحت ناظر به سایر عقاید و ارزش‌های دینی، ایمان (انتخاب و التزام آگاهانه و آزادانه دین حق یعنی آیین زندگی و نظام معیار)، تقید عملی به احکام، مناسک و ارزش‌های دینی و رعایت اصول و آداب اخلاقی در زندگی روزمره (در همه ابعاد فردی و اجتماعی) و تلاش پیوسته برای خودسازی بر اساس نظام معیار (مهار غرایز طبیعی، تعدیل عواطف و خویشن‌داری، حفظ کرامت و عزت نفس، کسب صفات و فضائل اخلاقی و پیش‌گیری از تکوین صفات و رذائل اخلاقی) است. انسان شگفت‌ترین مخلوق خداوند و والاترین نشانه قدرت حق است. انسان مستعد اتصاف به همه صفات و کمالات الهی است و آفریده شده است تا به مقام خلیفه الهی برسد و این جز با تربیت دینی میسر نمی‌شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۳: ۱۷).

از آنجا که اعتقادات و عبادات مهم‌ترین و برجسته‌ترین بخش تربیت اسلامی است، تربیت اعتقادی و تربیت عبادی زیر چتر تربیت دینی معنا پیدا می‌کند که در تربیت اعتقادی پنج اصل توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت که به اصول اعتقادات معروف هستند از سایر اعتقادات مهم‌تر است. تربیت عبادی نیز به کارهایی اطلاق می‌شود که فی نفسه بیانگر عبودیت و بندگی هستند، مانند نماز و روزه (نوروزی نژاد و طباطبایی، ۱۳۹۹: ۴۳-۴۲). در منابع علمی برای تربیت اعتقادی، مؤلفه‌های خاصی در نظر گرفته شده است. این مؤلفه‌ها عبارت است از: شناخت، پذیرش قلبی و محبت و علاقه. این موارد دلالت بر تصدیق انسان در یک عقیده است (پاک سرشت، ۱۳۹۷: ۵۰). تربیت عبادی به معنای ایجاد تدریجی و گام به گام روح عبادت و بندگی و حالت تذلل و خواری نسبت به پرودگار عالم در انسان‌هاست تا مرحله رساندن آنها به حد نهایی و کمال مقام عبودیت (رضایی اصفهانی، نجفی جره ای، ۱۳۹۳: ۸۶). در میان اندیشمندان و فیلسوفان، تربیت اخلاقی به منزله شاکله‌ی تربیت آدمی در نظر گرفته شده است و از این روست که کانت معتقد بود عمیق‌ترین بخش تعلیم و تربیت، تربیت اخلاقی است و تربیت اخلاقی را آخرین و عالی‌ترین سطح

تربیت می‌دانست و بر این باور بود که با انجام آن، کار تعلیم و تربیت به پایان می‌رسد (کانت، ۱۳۹۲: ۴۸) از سوی دیگر، در زمان ما ضرورت توجه به تربیت اخلاقی بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود؛ بحران‌های زیست محیطی، افزایش بزهکاری، تبهکاری، جنگ‌ها، فقر و بی‌عدالتی و مانند اینها شرایط را به گونه‌ای رقم زده‌اند که در عصر حاضر، بشر بیش از هر چیز دیگری به اخلاق و اعتلای آن نیازمند است و توجه به تربیت اخلاقی و بالندگی آن ضرورتی جهانی و انسانی است. از این رو آموزش، اخلاق و ارزش‌های اخلاقی، همواره یکی از اهداف کلیدی در نظام‌های آموزشی جهان بوده است (بیشاف^۱، ۲۰۱۶: ۹۷). در سطح تجربه بشری نشان داده است که انسان، خواه متدین به دینی آسمانی باشد یا نباشد، هیچ‌گاه حتی در دوره مدرن و پسامدرن، بی‌نیاز از تربیت اخلاقی نیست (نقیب‌زاده، ۱۳۹۱).

پیشینه پژوهش

مدور، بهشتی و فراهانی (۱۳۹۹) به استخراج مبانی تربیت اخلاقی از نظریه انسان‌شناسی استاد مطهری پرداختند که نتایج پژوهش بیانگر آن است که تربیت اخلاقی مبتنی بر ایمان و تفکرات دینی بوده و به مفهوم زمینه‌سازی پرورش روح انسان، خصلت‌ها، سجایا و ملکات و همچنین تقویت اراده می‌باشد که در پی توسعه درونی‌تری است و مواردی مانند شرافت و کرامت ذاتی انسان به علت انتساب روح آدمی به خدا، نهفته شدن ارزش‌های انسانی به صورت استعداد فطری، فطری بودن گرایش انسان به اخلاق، دینی بودن گرایش اخلاق انسان، تعارض‌مندی بین گرایش‌های مادی و معنوی انسان، درونی بودن ریشه تنازعات انسانی، فطری بودن خودآگاهی و ... از جمله مبانی تربیت اخلاقی در نظریه انسان‌شناسی استاد مطهری هستند. یکی از سوالات پژوهشی فرمینی، احمدآبادی آرانی و حسینائی (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان بررسی جایگاه حیات طیبه در سند تحول بنیادین و تبیین راهکارهای تحقق آن در آموزش و پرورش، اهمیت نقش‌های مختلف عناصر نظام تعلیم و تربیت در تحقق حیات طیبه با توجه به نظر متخصصان بود. نتایج این سوال نشان داد با توجه به نظرات مختصان معلم، نهاد خانواده، محتوای برنامه‌های درسی، فعالیت‌های پرورشی و مدیران آموزشی به ترتیب به عنوان عناصر نظام تعلیم و تربیت در

۱. Bischoff

فراهم آوردن تحقق حیات طیبه نقش دارند. درباب میزان اهمیت مؤلفه‌های مختلف مربوط به معلم در تحقق حیات طیبه؛ انتخاب و تربیت معلمان شایسته، نقش الگویی معلم و التزام عملی به اصول و آموزه‌های دینی، تخلق به اخلاق اسلامی و آشنا کردن دانش‌آموزان با مسائل اخلاقی، توجه به هم‌زمانی نقش آموزشی و پرورشی (همراهی تعلیم و تربیت) و توجه به نقش آموزشی و به روز و کارآمد بودن معلومات معلم (سواد تخصصی در موضوع مورد تدریس) به ترتیب در نائل شدن به حیات طیبه، نقش مؤثر دارد. محمدی، حسنی، محمدی (۱۳۹۸) به شناسایی عوامل موثر بر میزان آگاهی و نگرش معلمان استان کردستان نسبت به سند تحول آموزش و پرورش و ارائه مدل بومی جهت ارتقای این نگرش و آگاهی پرداختند. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه نیمه ساختارمند در طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند و با در نظر گرفتن شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر، راهکارها و راهبردهای عملیاتی در راستای ارتقای آگاهی و نگرش معلمان استان کردستان نسبت به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در قالب زیر نظام‌های ششگانه سند تحول و به صورت یک مدل پیشنهاد شد بر اساس یافته‌های این پژوهش مهم‌ترین شرایط علی از جمله سیاست‌های مدیریت منابع انسانی، سیاست‌های مالی، سیاست‌های اجتماعی، سیاست‌های پرورشی و سیاست‌های آموزشی، شرایط مداخله‌گر شامل خصوصیات شخصیتی فرهنگیان و سیاست‌های توسعه حرفه‌ای و شرایط زمینه‌ای شامل وضعیت معیشتی فرهنگیان، جایگاه اجتماعی فرهنگیان، شرایط ادامه تحصیل و دوره‌های ضمن خدمت فرهنگیان بودند. پیامدهای الگو هم شامل تحول پویای محیط مدرسه، ارتقای شخصیت حرفه‌ای معلمان و تعالی همه‌جانبه دانش‌آموزان در نیل به حیات طیبه است. از جمله ویژگی‌های این الگو می‌توان به بومی بودن، توجه به ویژگی‌های مخاطبان، علمی بودن، اختصاصی بودن، بدیع بودن و واقع‌نگری اشاره کرد. هدف اصلی پژوهش عقلی، علم الهدی، فتحی و اجارگاه (۱۳۹۷) طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی در دوره ابتدایی نظام آموزشی ایران بود. یافته‌ها نشان می‌دهد که الگوی مفهومی برنامه‌درسی تربیت اخلاقی در دو بعد چرایی و ضرورت تربیت اخلاقی و چگونگی برنامه درسی تربیت اخلاقی و مشتمل بر مقولاتی مانند ضرورت و نیاز، رویکرد، اهداف، محتوا، روش‌های یاددهی-یادگیری، نقش نیروی انسانی، ارزشیابی، مواد و منابع، مکان و زمان شکل می‌گیرد. مرکز ثقل یا مقوله محوری این الگو، رویکرد شایستگی محور فراگیر آن است که بر

اساس دو ویژگی اصلی آن یعنی توجه سازوار به ابعاد دانشی، بینشی و مهارتی و شمولیت قلمرویی آن به تمام زیست مدرسه‌ای سایر عناصر برنامه درسی را تحت تأثیر قرار داده است. در رویکرد و گستره برنامه تربیت اخلاقی نقش معلم به طور اخص و نقش نیروی انسانی به طور اعم بی‌بدیل است. معلم برای نقش آفرینی صحیح در فرایند تربیت اخلاقی باید واجد ویژگی‌های خاصی باشد. به زعم اکثر مصاحبه‌شونده‌ها معلم خود باید اسوه و نمونه اخلاقی باشد و ارزش‌های اخلاقی را به صورت مشخص در رفتار و گفتار خود نشان دهد، زیرا پیام عملی معلم از پیام کلامی او در مورد ارزش‌های اخلاقی نافذتر است. بخش دیگری از صلاحیت‌های معلم به ابعاد فنی، مهارتی و پداگوژیک او مربوط است. در این مورد داده‌ها نشان می‌دهد که صلاحیت‌های حرفه‌ای اعم از صلاحیت‌های آموزشی یا تدریسی است. به تعبیر دیگر چون عنصر محتوا بر اساس ساختار سه وجهی تجویزی، نیمه تجویزی و غیرتجویزی سازماندهی شده است صلاحیت‌های تدریسی-اجرایی صرف معلم پاسخگو نخواهد بود و باید صلاحیت‌های حرفه‌ای معلم را در سه سطح اجرا، انتخابگری و طراحی دسته‌بندی کرد.

پژوهش جاویدان، اسماعیلی، شجاعی (۱۳۹۷) با هدف تدوین الگوی ویژگی‌ها و شایستگی‌های معلمی بر اساس اسناد بالادستی آموزش و پرورش با روش پژوهش ترکیبی (کمی و کیفی) انجام شد. در این پژوهش ابعاد شایستگی معلمی بر اساس اسناد بالادستی آموزش و پرورش عبارتند از: ارزش‌ها، دانش‌ها، انگیزش‌ها، سلامت، توانایی‌ها، رغبت‌ها، باورها و صلاحیت اخلاقی. نتایج پژوهش نشان داد در بین همه عامل‌های هشت‌گانه ی سنجش الگوی شایستگی معلم، ارزش‌ها، دانش‌ها، انگیزش‌ها، سلامت، توانایی‌ها، رغبت‌ها، باورها و صلاحیت اخلاقی به ترتیب بالاترین بار عاملی و وزن عاملی را بر روی عامل مرتبه دوم الگوی شایستگی معلمان نشان دادند. بر اساس نتایج، باورها و عقاید معلمان نسبت به حرفه معلمی به دلیل این که می‌تواند موتور محرک بقیه عوامل باشد بار عاملی بالاتری را در مدل شایستگی معلمان نشان داد. شجاعی زند (۱۳۸۸) در پژوهش خود، تبارشناسی تجربه دینی در مطالعات دین داری را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. در این پژوهش، مراتب تربیت اعتقادی و دینی به صورت طبقه بندی شده و گام به گام تشریح شده است. در معرفی ابعاد تربیت دینی آمده فرایند تربیت دینی مشتمل بر اعتقادیات، ایمانیات، عبادیات، اخلاقیات و شرعیات می‌باشد. مربی و متربی با تلاش و کوشش در فضایی

عاطفی و صمیمانه و آزادانه می‌بایست مراتب مذکور را طی کند. به همین دلیل به دست اندرکاران اعم از مؤلفین کتب درسی، مربیان و معلمان توصیه شده است که در هر حوزه فعالیت هدف و جداگانه ای داشته باشند و از تداخل مفاهیم نظری و عملی غیرهدفمند پرهیز نمایند. داودی (۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان تأملی بر هدف تربیت اعتقادی، به تعریف و تشریح ماهیت این تربیت پرداخته و سه مؤلفهٔ پرورش شناخت، پرورش پذیرش قلبی و پرورش محبت قلبی را در تربیت اعتقادی یادآور شده، می‌نویسد: دست یابی به مرتبه و درجه ای از ایمان، به عنوان هدف تربیتی می‌بایست در برنامه‌های درسی مورد توجه قرار گیرد. تفاوت عقیده و ایمان و عمل به آموزه‌های اعتقادی به عنوان مراتب تکالیف شرعی تشریح شده است. وی توصیه نموده فعالیت‌های تربیتی می‌بایست هدفمند، با ترتیب و توالی، کم دامنه و ساده اجرا شود تا اشتیاق متربی را موجب شود. لذا مؤلفین و معلمان در آموزش رسمی می‌بایست به این ترتیب و توالی توجه کافی داشته باشند. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته در تحقیقات انجام شده و پیشینه پژوهش کاستی‌های جدی و آشکاری در این زمینه وجود دارد. اکثر پژوهش‌های گذشته بر مبانی تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی تأکید داشته و به نقش و جایگاه آن‌ها در نظام تعلیم و تربیت می‌پردازند و یا به طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اعتقادی، اخلاقی و همچنین شناسایی شایستگی‌های معلمان اثربخش پرداخته شده است. در جمع‌بندی پیشینه تحقیق می‌توان اذعان نمود که تاکنون پژوهشی در زمینه شناسایی شایستگی‌های پایه آموزگاران برای تحقق ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی مندرج در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مشاهده نگردیده است که در پژوهش حاضر، این موضوع مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

سوالات پژوهش

سوال اصلی

آموزگاران باید واجد چه شایستگی‌های پایه‌ای باشند تا بتوانند زمینه تحقق ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی سند تحول را در وجود دانش‌آموزان فراهم کنند.

سوالات فرعی پژوهش

سوال فرعی ۱: شایستگی‌های مورد انتظار از آموزگار در تربیت اعتقادی کدامند؟

- سوال فرعی ۲: شایستگی‌های مورد انتظار از آموزگار در تربیت عبادی کدامند؟
 سوال فرعی ۳: شایستگی‌های مورد انتظار از آموزگار در تربیت اخلاقی کدامند؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و مبتنی بر رویکرد کیفی^۱ تحقیق است. پژوهش کیفی، فهمی عمیق از پدیده‌های مورد مطالعه مبتنی بر پژوهش را مهیا می‌سازد که تحقق‌پذیری آن مستلزم این است که پدیده مذکور از نگاه افراد ذریبط مورد کاوش و تامل قرار گیرد. روش مورد استفاده، روش پدیدارشناختی است که هدف آن، بازنمایی ادراک افراد مورد مطالعه از پدیده مورد نظر است. پدیده مورد مطالعه در پدیدار شناختی، بر اساس دیدگاه معرفت‌شناختی تفسیری و بر پایه ذهنیت افراد بررسی می‌شود که آنان در تجربه زندگی خود از پدیده دارند (بازرگان، ۱۳۹۹). جامعه آماری پژوهش مدرسان مراکز تربیت معلم، اعضای هیات علمی گروه علوم تربیتی و معارف دانشگاه‌های اصفهان و یزد و کارشناسان علوم حوزوی بودند. به منظور انتخاب مشارکت‌کنندگان از روش نمونه‌گیری نظری به شیوه‌ی هدفمند^۲ استفاده شد. هدف پژوهشگر انتخاب مواردی بود که به‌طور بالقوه بیش‌ترین اطلاعات را در خصوص موضوع پژوهش دارا باشند و پژوهشگر را در پاسخ به سوال‌های پژوهشی یاری دهند. مشارکت‌کنندگان شامل ۵ نفر از مدرسان مراکز تربیت معلم، ۸ نفر از اعضای هیات علمی متخصص در حوزه معارف و اخلاق، ۶ نفر از اعضای هیات علمی متخصص در حوزه علوم تربیتی و ۷ نفر از حوزویان بودند. کفایت تعداد مشارکت‌کنندگان بر اساس اشباع نظری داده بود. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه نیمه ساختاریافته^۳ بود. به منظور بررسی روایی بیشتر در مصاحبه، تلاش بر این بود که قبل از آغاز مصاحبه وحدت‌گفتمانی بین محقق و مصاحبه‌شونده‌ها ایجاد شود به این صورت که توضیحات کلی در مورد مسأله مورد بررسی، هدف‌های تحقیق و سوالات ارائه گردد و هم‌چنین تبیین مفهوم شایستگی به درستی انجام شود. سوالات مصاحبه از نوع بازپاسخ و زمان هر مصاحبه بین ۴۰ تا ۵۰

۱. Qualitative paradigm

۲. Purposive sampling

۳. Semi-structured

دقیقه بود. در جریان مصاحبه به منظور شفاف‌سازی بیشتر و درک بهتر پاسخ‌ها، مصاحبه‌ها ضبط و سپس پیاده شد. در روش تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای استقرایی استفاده شد. به منظور کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها از تکنیک ۶ مرحله‌ای آرباخ و سیلورستاین (۲۰۰۳) استفاده شد که شامل مطالعه دقیق متن مصاحبه، مشخص کردن بخش‌های مهم و مرتبط، مشخص ساختن ایده‌های تکراری، تم‌سازی، تدوین سازه‌های و روایت نظری است. برای افزایش دقت تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها از روش پرسش از همکار^۱، کاوش به وسیله افراد مورد مطالعه^۲ (هالوی و ویلر^۳، ۲۰۰۹) و استفاده از مسیر ممیزی^۴ (گال و همکاران، ۱۳۹۱) استفاده شد. همچنین از نرم افزار مکس کیودا^۵ به عنوان ابزار تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی استفاده گردید. در این پژوهش کلیه ملاحظات اخلاقی شامل آگاه نمودن مشارکت کنندگان از ضبط مصاحبه، اعلام نتایج تحلیل پس از تحلیل مضامین مصاحبه، احترام به دیدگاه‌های مشارکت کنندگان و عدم آشکارسازی اطلاعات آن‌ها رعایت گردید.

یافته‌های پژوهش

به منظور شناسایی شایستگی‌های مورد انتظار از آموزگاران در تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، مضامین مرتبط با استفاده از محورها و شاخص‌های شناسایی شده حاصل از تحلیل و تفسیر داده‌های مصاحبه نیمه ساختار یافته با ۲۶ نفر از مدرسان مراکز تربیت معلم، اعضای هیات علمی گروه تربیتی و معارف دانشگاه‌های اصفهان و یزد و کارشناسان علوم حوزوی در سال ۱۳۹۹ به دست آمد. در گام نخست کدگذاری عناوین برخاسته از متن مصاحبه استخراج و مفهوم‌سازی شدند. این عناوین دارای بالاترین سطح انتزاع بوده و به عنوان مضامین اصلی شناسایی شده‌اند. مضامین کلیدی در قالب ۲۳ تم و در نهایت ۸ سازه نظری ایجاد شد. نتایج به دست آمده از فرآیند اجرای کدگذاری در جدول‌های ۱، ۲ و ۳ گزارش شده است. نتایج نشان می‌دهد که

۱. Peer debriefing

۲. Member check

۳. Halloway & Wheeler

۴. Audit trail

۵. MAXQDA

شایستگی‌های مورد انتظار از آموزگاران در ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی شامل ۲ سازه بصیرت دینی و محبت و مودت در بعد اعتقادی، ۳ سازه بصیرت عبادی، گرایش عبادی و رفتار عبادی در بعد عبادی و ۳ سازه شناخت اخلاقی، احساس اخلاقی و رفتار اخلاقی در بعد اخلاقی شناسایی شدند. در ادامه یافته‌ها بر اساس پرسش‌های پژوهش ارائه شده است.

پرسش اول: شایستگی‌های مورد انتظار از آموزگاران در تربیت اعتقادی کدامند؟

شایستگی‌های مورد انتظار از آموزگاران در تربیت اعتقادی شامل دو مقوله بصیرت دینی و محبت و مودت بود که مشروح آن‌ها عبارت است از:

بصیرت دینی

تربیت اعتقادی زیر بنای ساخت انسان کامل است. شخصیت انسان در صورتی با هویت و ریشه دار خواهد بود که از نظر اعتقادی، نظامی منسجم و منطقی در برابر پرسش‌های اساسی زندگی تشکیل داده باشد؛ زیرا اعتقادات زیر بنای بینش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای انسان هستند (داووی، ۱۳۹۸). از شاخص‌های الگویی تربیت اعتقادی در اسلام، اصالت معرفت و عقلانیت درونی و داشتن مراتب عمیق عرفانی و مراحل بی‌نهایت ایمانی است و تمرکز الگوی اسلامی تربیت اعتقادی بر شکوفا سازی فطرت، تقویت رضایت و تعمیق معرفت است و ستون اصلی تربیت اعتقادی فهم، منطقی و تعقل است (ساجدی و خطیبی، ۱۳۹۱) در این رابطه مصاحبه شونده (۲) اظهار کرد:

«معلمی که سرکلاس حاضر میشه باید به مرتبه یقین به عقاید اسلامی و معارف توحیدی برسه، ارزش کار او به این مهم بستگی داره، بدون یقین نمی‌تونه به تربیت اعتقادی دانش آموز پردازده، چون مدام دچار تزلزل فکری میشه. بدون معرفت، اعتقاد و ایمانی به دست نمی‌آد و اگر هم چیزی باشه، تقلیدیه.»

مصاحبه شونده شماره ۷ بیان کرد: «اگر معلم هدفش ساختن انسان کامل باشه و بخواد دانش آموزش رو طوری تربیت کنه که عبد و خلیفه خدا بشه در مرتبه اول خودش باید شناخت کاملی از قادر مطلق و مالک تمام موجودات و انسان داشته باشه، به تصدیق اون پردازده و در مسیر اطاعت و تبعیت از احکام و دستورات الهی گام برداره.»

مصاحبه شونده شماره ۱ معتقد بود: «...میگن معلم راهنمای دانش آموزانش هست، در درجه اول خود معلم باید راه و راهنما را به درستی بشناسد، معلم باید به این نکته اعتقاد داشته باشه که آدمی به تنهایی نمیتونه راه سعادت را طی کنه، به راهنمایی نیاز داره که خداوند کریم این راهنما را انتخاب کرده... بعد از این شناخته که می‌تونه راهنمای خوبی برای بچه‌ها باشه».

مصاحبه شونده شماره (۱۱) به فرایند گزینش معلم اشاره کرد: «معلم چه از دانشگاه فرهنگیان فارغ التحصیل شده باشه، چه ماده ۲۸ باشه در اولین قدم مصاحبه میشه، یکی از ابعاد مصاحبه هم پرسیدن سوالاتی مربوط به امور اعتقادی، از اصول و فروع دین می‌پرسن، اعتقاداتش به چالش کشیده میشه... همه اینها حکمت داره. به نظر شما چرا؟... معلم باید اعتقادی محکم به این اصول داشته باشه تا بتونه دانش آموزان خود رو به صراط مستقیم سوق بده».

محبت و مودت

مصاحبه شونده شماره (۶) نظر خود را این گونه بیان کرد که «اگر کسی به اصل توحید پای بند باشد پس به محبت خدای مهربان دل سپرده است، به تبع این محبت هر چه دوست گوید می‌پذیرد، دوست گفته است از پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) پیروی کن، او با جان و دل می‌پذیرد و آن‌ها را هم دوست خواهد داشت».

مصاحبه شونده شماره (۱۸) بر این نظر بود که «زمانی که معلم به خداوند اعتقاد داشته باشد، به ائمه توسل جوید تفسیری صحیح از دنیا و مواقع آن در ذهن داشته باشد، از آرامش و اطمینان قلبی وصف ناپذیری بهره خواهد برد که می‌تواند به شاگردان خویش هم منتقل کند. معلم کلاس سوم راهنماییم دقیقاً این آرامش را داشت... همیشه روزهای سه شنبه به ما می‌گفت دعای توسل یادتون نره بچه‌ها».

چند تن از مصاحبه شوندگان «علاقه به پیامبران و امامان» را مطرح کردند و به این نکته اشاره کردند که «تقرب به خداوند و دستیابی به سعادت دنیا و آخرت با عشق و دوستی اهل بیت (ع) عجین شده است، پس بر آموزگار لازم است به این محبت دست یابد و بتواند به دانش آموزان لذت این محبت را بچشانند».

جدول ۱. ایده‌های تکراری، تم‌ها و سازه‌های شایستگی‌های اعتقادی آموزگار

سازه نظری	تم	ایده تکراری
بصیرت دینی	شناخت خالق و جهان هستی	علم بر صفات خدا، پذیرش ابتلائات الهی، توجه به نظم موجود در نظام آفرینش، عبادت، ذهن باز، آگاهی از حلال و حرام الهی، شناخت تقوی، اعتقاد به نبوت پیامبر اسلام، اعتقاد به امامت ائمه، شناخت اولیا الهی، ایمان به زندگی پس از مرگ و آخرت، اعتقاد به وجود بهشت و جهنم، اعتقاد به فرشتگان الهی، اعتقاد به حیات ابدی در سرای آخرت، ذکر مرگ، اعتقاد به دنیا مزرعه آخرت، اعتقاد به عصمت نبوت و امامت، اعتقاد به امام عصر (حضرت مهدی)
	شناخت اصول و فروع دین	
	باور به نبوت و امامت	
محبت و مودت	محبت به خداوند و فرستادگان الهی محبت به اولیا الله	اطمینان و آرامش، خضوع و تسلیم قلبی، احساس نیاز به توسل و دعا در همه امور زندگی، یاس و استغنا از غیر خدا، علاقه به امامان شیعه و توسل به آنها، داشتن نیت و انگیزه الهی، کوتاه کردن آرزوها، بینش مخلصانه، علاقه به پیامبران الهی، امید به لطف و کرم الهی، احترام به مجاهدین و شهدا، انس و توسل به قرآن، احساس آرامش در پرتو عبادت

پرسش دوم: شایستگی‌های مورد انتظار از آموزگاران در تربیت عبادی کدامند؟

بر اساس نتایج پژوهش، شایستگی‌های مورد انتظار در تربیت عبادی شامل، بصیرت عبادی، گرایش عبادی و رفتار عبادی است که در ادامه به تشریح این شایستگی‌ها پرداخته می‌شود:

بصیرت عبادی

تربیت عبادی به معنای آموزش عبادت به فراگیران است، به این معنی که آن‌ها با اعمال عبادی آشنا می‌شوند و با تمایل و انگیزه، خود را مکلف به انجام این اعمال می‌دانند. به زعم مصاحبه شوندگان اولین گام در تربیت عبادی، وجود بصیرت عبادی است. لازم است در قدم اول آموزگار

شناخت و آگاهی کافی نسبت به وظایف و تکالیف عبادی داشته باشد تا بتواند این آگاهی را در ذهن دانش آموزان خود ایجاد کند.

در این زمینه مصاحبه شونده شماره (۴) بیان داشت: «معلم باید زندگیش رنگی خدایی داشته باشه، او باید نماز، روزه و... را اول خوب بشناسه، به فلسفه‌اشون پی بیره بعد با دقت انجام بده. خدا رو همیشه ناظر بر رفتار خودش بدونه، در همه حال شکرگذار خدا باشه، در این صورته که می‌تونه دانش آموزاش را با حقیقت تکالیف و وظایف عبادی آشنا کنه. اگر خودش آگاهی نداشته باشه یا اگر عملش بدون آگاهی و صرفاً رفع تکلیف باشه صد در صد بچه‌ها متوجه میشن».

مصاحبه شونده شماره (۵) اذعان داشت: «معلم می‌تونه بذر عبودیت و بندگی و اطاعت خالصانه از خداوند رو در وجود دانش آموز بیاشه اما در ابتدا باید خودش به واجبات و مستحبات و آداب و احکام توجه و اهتمام ویژه داشته باشه».

گرایش عبادی

تربیت عبادی علاوه بر وجود دانش و آگاهی کافی نسبت به اعمال عبادی مستلزم این است که قلب فراگیر را به تدریج مشتاق نماید، انگیزه و احساس مثبتی نسبت به انجام واجبات و فرائض دینی و علاقه به ارتباط قلبی با خدا در فراگیر به وجود آورد.

مصاحبه شونده شماره (۳) اعتقاد داشت که: «آموزگار باید رغبت داشته باشه، علاقه داشته باشه به اینکه عبادت الهی را انجام بده... وقتی او به خداوند و نعمت‌های که به او ارزانی داشته رو بشناسه میتونه انگیزه کافی در او به وجود بیاره، عبادت با شور و حرارت لذت بخشه».

«ما در دینمون مناسبت‌های مذهبی زیادی داریم، مثل عاشورا، عید فطر، نیمه‌ی شعبان... اما کن مذهبی زیادی داریم که حداقل مسجد در هر محله‌ای هست، آموزگار باید به حضور در مسجد یا شرکت در مراسم مذهبی علاقه‌مند باشه تا علاوه بر انجام تکالیف عبادی، اشتیاق و انگیزه لازم در این زمینه برای دانش آموز فراهم کنه» نظر مصاحبه شونده شماره (۷) بود.

رفتار عبادی

در تربیت عبادی، ایجاد ارتباط معنوی با خداوند به وسیله انجام تکالیف‌ها و وظیفه‌های عبادی بسیار مهم است، پس لازم است تمهیدات لازم برای انجام این تکالیف فراهم شود.

بر اساس نظر مصاحبه شونده شماره (۱۰) «رفتار معلم باید جلوه‌ی بارزی از توجه و عمل به وظایف دینی باشد، که این خود می‌تونه در قدم اول نگرش مثبت نسبت به بندگی خداوند در دانش آموز ایجاد کنه و بعد هم آن نگرش عملیاتی بشه، مثلاً معلمی که در ابتدای تدریسش سوره‌ای از قرآن می‌خواند یا نعمت‌های خداوند را بیان می‌کند و شیوه شکرگذاری از این نعمت‌ها را آموزش می‌ده میتونه دانش آموز را به سمت انجام اعمال عبادی سوق بده».

مصاحبه شونده شماره ۴ پیرامون نقش الگویی معلم که می‌تواند در رفتار دانش آموز تاثیر داشته باشد بر این باور بود که: «معلم می‌دونه که بچه‌ها تو مدرسه اونو به عنوان الگوی خودشون قبول دارن، خیلی از حرف‌ها و عملکردهای معلم میشه سرلوحه دانش آموزا، پس باید الگوی خیلی خوبی باشه، مدام رفتارهای خودشو بررسی کنه، تمام دل مشغولیش این باشه که به انجام آن چه خداوند فرمان داده بپردازه یا از آن‌هایی که منع شده، دوری کنه»

جدول ۲: ایده‌های تکراری، تم‌ها و سازه‌های شایستگی‌های عبادی آموزگار

سازه نظری	تم	ایده تکراری
بصیرت عبادی	شناخت پروردگار و جهان هستی	ایمان به یگانگی خدا، تدبیر در خلقت، بندگی خداوند، اقرار به الطاف الهی، آگاهی به صفات‌های پروردگار، شناخت خداوند به عنوان ولی، داشتن روحیه شکرگزاری، شناخت جایگاه والای عبادت، آشنایی با مستحبات، آگاهی از آثار عبادت در زندگی، آگاهی از پیامدهای ترک اعمال عبادی، شناخت گناهان، تقوا شناسی
	شناخت احکام و آداب	
گرایش عبادی	ایمان به قدرت الهی	امید به رحمت خدا، استعانت از خدا، توکل، اخلاص، نیت الهی در انجام عبادات، علاقه به حضور در مسجد و اماکن مقدس، علاقه به عبادت مداوم، عدم دل‌بستگی به دنیا، احساس مسولیت در برابر گفتار و اعمال خویش، تمایل به کسب خشنودی خداوند، دشمنی با دشمنان خدا، واگذاری امور به خداوند
	تولی و تبری	
رفتار عبادی	تقید و مداومت به انجام اعمال عبادی	تلاوت قرآن، شرکت مستمر در مساجد و مراسم معنوی، بجا آوردن معروف، ترک منکر، مناجات با خدا، شکر گذاری نعمت‌ها به صورت عملی، التزام عملی به اصل ولایت فقیه، محاسبه و نظر به کیفیت اعمال عبادی خود، استغفار مداوم، جهاد در راه خدا، پیوسته در حال ذکر نام خداوند، خود را در محضر الهی بیند، سخاوت
	مراقبه و	

جدول ۲: ایده‌های تکراری، تم‌ها و سازه‌های شایستگی‌های عبادی آموزگار

سازه نظری	تم	ایده تکراری
	محاسبه رفتار	

پرسش سوم: شایستگی‌های مورد انتظار از آموزگاران در تربیت اخلاقی کدامند؟

شایستگی‌های مورد انتظار از آموزگاران در تربیت اخلاقی نیز عبارتند از شناخت اخلاقی، احساس اخلاقی و رفتار اخلاقی است که مشروح آن‌ها به شرح ذیل است:

آگاهی اخلاقی

مصاحبه شونده‌گان معتقدند در تربیت اخلاقی عنصر شناخت و آگاهی قابل توجه است. برای تشخیص و تمایز خوب و بد باید درک شناختی وجود داشته باشد.

در این راستا مصاحبه شونده شماره (۲۶) بیان کرد که «اگر معلمی بخواهد تربیت اخلاقی را تحقق بدهد و باعث بشه رشد اخلاقی دانش‌آموزان به سمتی بره که به افرادی نیک تبدیل بشن و به سعادت برسند در درجه اول باید فضیلت و رذیلت اخلاقی را بشناسه، باید از نتایج هر کدام آگاه باشه و بدونه تو زندگی انسان چه تاثیری داره... آگاهی معلم به احکام اخلاقی شرط لازم تربیت اخلاقیه».

مصاحبه شونده شماره (۱۴) اظهار داشت: «کلاس درس شامل تعداد زیادی دانش‌آموز با فرهنگ و ویژگی‌های متفاوت و محیطی که برخی از ارزش‌ها یا ضد ارزش‌های اخلاقی در اون بروز می‌کنه، معلم کسیه که می‌تونه دانش‌آموزان رو به سمت ارزش‌های اخلاقی بیره و یا اونها را از ضد ارزش‌ها دور کنه، پس لازمه که درک اخلاقی قابل قبولی برای تشخیص خوب و بد داشته باشه».

احساس اخلاقی

تربیت اخلاقی مستلزم پرورش انگیزه و تمایل به انجام ارزش‌های اخلاقی است که می‌تواند منجر به تعمیق کمال معنوی انسان گردد.

بر اساس نظر مصاحبه‌شونده شماره (۲۱) «دانش آموزا مدام دارن از حرکات و رفتار معلمشون فیلمبرداری میکنن، پس معلم باید یک الگوی اخلاقی نمونه باشه، او باید خودش را به اخلاق انبیا و اولیا الهی آراسته کنه و خودش رو ملزم کنه که در هر شرایطی به اخلاقی نیک پای بند باشه».

مصاحبه‌شونده شماره (۸) چنین اظهار داشت: «بخش زیادی از وقت دانش آموزان در مدرسه میگذره و اونها در مدرسه در حال کسب‌گرایش‌های اخلاقی هستند، معلم باید با روش‌های مختلف به پرورش عادت‌های اخلاقی مطلوب بپردازه مثل روش ترغیب یا ترهیب... خوب معلمی که میخواد از این روش‌ها استفاده کنه رفتار و عملش باید مصداق بارز عادات مطلوب اخلاقی باشه... او باید کارهای ناشایست اخلاقی را به درستی بشناسنه، ازشون پرهیز کنه تا بتونه دانش آموزاش را از کار ناشایست بازداره».

رفتار اخلاقی

«عامل عمل صالح» نکته مشترکی بود که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کردند. به زعم مصاحبه‌شوندگان رفتار معلم باید جلوه‌گاه شناخت و انگیزه اخلاقی باشد.

نظر مصاحبه‌شونده شماره (۱۹) این چنین بود: «ویژگی‌های اخلاقی معلم، در واقع اونچه در رفتار قابل مشاهده است بسیار مهم است، مثلاً اینکه معلم صادق باشه، متواضع باشه، خویشتن دار باشه و... همه این‌ها جزء فضیلت‌های اخلاقی محسوب میشن که معلم باید در تمام لحظات چه در کلاس درس و چه خارج کلاس در وجودش نمود پیدا کنه».

مصاحبه‌شونده شماره (۲) معتقد بود: «فشارهای اقتصادی، مشکلات خانوادگی و... در زندگی همه وجود داره، معلم هم مستثنی نیست، این مشکلات ممکنه در رفتار انسان تاثیر بگذاره مثلاً باعث پرخاشگری، عصبانیت و... بشه. معلم، شغلش، جایگاهش خیلی متفاوته، پس باید سعی کنه از این رفتارهای نامطلوب برحذر باشه و اجازه رخنه در وجودش رو نده... امروزه بچه‌ها خیلی زرنکن، همه چی رو سریع میفهمن اگر رفتار معلمی دوگانه باشه، به راحتی متوجه میشن... تصور کنید معلم بارها و بارها در مورد نظم و انضباط در کلاس حرف بزنه، آیه و حدیث بیاره، اما خودش، دیر در کلاس حاضر بشه، هیچ یکی از حرفاش روی شاگردان تاثیر نداره».

مصاحبه‌شونده شماره (۱۱) بیان کرد: «اگر معلم رفتار آراسته به اخلاق خوب باشه، خصوصیات اخلاقیش به دانش آموزانش و حتی دیگران منتقل میشه و در نتیجه خیر و نیکی در

جامعه ترویج پیدا می‌کند، معلم باید به خودسازی پردازد، باید مصداق بارز به فرد نیکوکار باشد، چرا؟ چون الگوی رفتاری دانش‌آموزان است، در دوره ابتدایی برای بچه‌ها حرف و عمل معلم خیلی مهمه». بر اساس نظر مصاحبه‌شوندگان در تربیت اخلاقی، نیاز به الگوی عملی غیر قابل انکار است. به دلیل ارتباط متقابلی که آموزگار در جریان آموزش با شاگردان خود دارد، نه تنها تسهیل‌گر جریان یاددهی و یادگیری است، بلکه الگویی پر قدرت و بانفوذ است که نمی‌تواند نسبت به تربیت اخلاقی بی‌تفاوت باشد، زیرا در جریان آموزش، سلوک و اخلاق او به مراتب بیشتر از سخن و کلامش بر شاگردان اثر می‌گذارد.

جدول ۳: ایده‌های تکراری، تم‌ها و سازه‌های شایستگی‌های اخلاقی آموزگار

سازه نظری	تم	ایده تکراری
شناخت اخلاقی	اندیشه ورزی اخلاقی	برخورداری از قوه انتقاد منطقی، تجزیه و تحلیل مسائل اخلاقی، تفکر در مورد هدف آفرینش، حقیقت‌جویی، واقع‌گرایی، ذهن پرسشگر، مثبت‌اندیشی، برخورداری از استدلال اخلاقی، شناخت حقوق دیگران، تمیز امور خوب از بد، شناسایی فضائل و رذائل اخلاقی، آگاهی از عیب‌های خود، آگاهی از نقش الگویی خود در جامعه
	معرفت و بصیرت	
	استدلال اخلاقی	
احساس اخلاقی	حب الهی	سرلوحه قرار دادن رضایت الهی، نشاط روحی، سرزندگی، دوست داشتن دیگران، توکل به خدا، محبت به خدا، یاد خدا در همه امور، ترجیح سعادت اخروی به لذت دنیوی، حق‌مداری، دلسوزی، رافت و مهربانی، امیدواری به رحمت الهی، انگیزه خدمت‌گزاری، پرهیز از آرزوهای دراز، آرمان‌خواهی، احترام به ارزش‌های فردی و اجتماعی، رضایت از انجام افعال اخلاقی، شهادت‌طلبی، احساس مسولیت نسبت به سایرین، خود پنداره مثبت نسبت به خویش، خود باوری، توفیق‌طلبی
	روح حماسی	
	علاقه به ارزش‌های اخلاقی	
	توجه به انگیزه‌های اخروی	

رفتار اخلاقی	تقویت فضائل اخلاقی	رعایت آداب اجتماعی، رعایت اعتدال، تلاش در جهت اصلاح بین مردم، هم‌پاری در کارهای نیک، اهتمام به امور مسلمانان، صداقت در گفتار، درست کاری، کرامت نفس، رعایت عدالت و انصاف، تواضع، اخلاص در عمل، عفت و پاکدامنی، خویش‌نظمی، وفای به عهد، شجاعت، سخاوت، نرم خوئی و مدارا، بذل و بخشش، نیکوکاری، امین، دارای سعه صدر، سخاوت و بخشندگی، ایثار، دوری از خودستایی و غرور، انتقاد پذیر، خودساخته، هدایت مردم از جهل به سوی علم، ساده زیستی، ظلم ستیزی، دوری از اسراف، دوری از تعصب‌های نابجا، پرهیز از طمع، الگوی رفتاری برای دانش‌آموزان، انفاق
	پرهیز از رذایل اخلاقی تکامل اخلاقی	

نتیجه‌گیری

هدف از انجام این مطالعه، شناسایی شایستگی‌های مورد انتظار معلمان دوره ابتدایی در ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی بوده است. تعریف‌های زیادی از مفهوم شایستگی ارائه شده است، نقطه مشترک تمام تعریف‌ها تاکید بر شناخت، نگرش و مهارت فرد است. رجکی، ساکرمن و سانتس^۱ (۲۰۲۱) شایستگی را به معنی دانش، مهارت و توانایی تعریف کرده است که بخشی از وجود فرد شده و او را قادر می‌سازد تا بتواند به بهترین صورت بیندیشد، احساس کند و مهارتی را انجام دهد. از این رو در پژوهش حاضر، شایستگی‌های پایه معلمان دوره ابتدایی در ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی به تفکیک شناخت، احساس و مهارت استخراج شده است. در بعد اعتقادی به دلیل ماهیت حیطة، شایستگی‌ها در دو سازه شناخت و نگرش به دست آمده است، چرا که تبلور مهارت در حیطة اعتقادی در بعد عبادی قابل مشاهده است. با توجه به نتایج پژوهش، شایستگی‌های مورد انتظار از آموزگاران در تربیت اعتقادی شامل بصیرت دینی و محبت و مودت؛ در تربیت عبادی شامل بصیرت عبادی، گرایش عبادی و رفتار عبادی و در تربیت اخلاقی شامل شناخت اخلاقی، احساس اخلاقی و رفتار اخلاقی است. بر اساس نظر و تجربه‌های مصاحبه شوندگان، کودکان در سال‌هایی که بیشترین ظرفیت یادگیری و انعطاف‌پذیری روحی را دارند، در مدرسه به سر می‌برند و زیر نفوذ رفتار و عملکرد معلم خود هستند، بنابراین نمی‌توان نسبت به

۱. Redjeki, Sukirman & Santoso

ویژگی‌ها و شایستگی‌های معلم بی‌تفاوت بود. معلم است که می‌تواند بخش زیادی از شخصیت شاگردان را جهت دهد و جهان بینی او را تحت تاثیر قرار دهد.

ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی شامل تربیتی است که چهارچوب بنیادی و اصولی آن بر اساس دین و آموزه‌های دینی است و این شکل از تربیت دینی در مقابل تربیت سکولار قرار دارد و همه ابعاد یک نظام را بر اساس مبانی معیارهای دینی شامل می‌شود. در این شکل از تربیت، اعتقادات و مناسک دینی خاصی مورد توجه قرار می‌گیرد و متربی برای رسیدن به ایمان و باور و عمل به آن‌ها تربیت می‌شود. به منظور تحقق اهداف این ساحت و نقشی که معلم برای اجرایی کردن اهداف ساحت دارد، برخورداری معلم از شایستگی‌های مطلوب از ضروریات محسوب می‌شود. آنچه از معلم امروز ایران انتظار می‌رود برخوردای از ویژگی‌های شخصیتی و ارزش‌های دینی و اخلاقی است که بدون تردید، جهت دهنده و عامل اثرگذار بر دانش و عمل حرفه‌ای معلم خواهد بود (رضایی، ۱۳۹۸: ۱۴۵). از نگاه کنش‌گران حوزه تربیت سواد علمی و تربیت، اعتقاد به ارزش‌های دینی، منش و رفتار مناسب با شئون معلمی، مجموعه شایستگی‌های اساسی در معلمی هستند (عبابف و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۲). اعتقادات، اصول بنیادی عمل انسان را تشکیل می‌دهد. اخلاق و عبادت نتیجه اعتقادی است که همراه با معرفت و ایمان باشد. بر اساس نتایج پژوهش، شایستگی‌های مورد انتظار در تربیت اعتقادی، ۲ مقوله بصیرت دینی و محبت و مودت است. در تربیت اعتقادی تعمیق اعتقادات توحیدی و تقید به این اعتقادات مورد نظر است (میرعرب، ۱۳۹۲) و به جایگاه و تاثیر اعتقادات در شکل‌دهی هویت انسانی و تعریف سبک زندگی الهی مربوط می‌شود (موسوی و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۲). تدین بدون اعتقاد به عقاید بنیادین دینی معنایی نخواهد داشت. بر اساس نظر مصاحبه‌شوندگان، آموزگار باید شناخت کافی درباره آموزه‌های دینی مانند توحید، نبوت، امانت، معاد و عدل و... داشته باشد و از طرف دیگر اشتیاق و علاقه نسبت به آموزه‌ها در او پدیدار شود. در این راستا تربیت اعتقادی دانش آموز زمانی محقق می‌شود که آموزگار متصف به اوصاف مطلوب اعتقادی شود تا بتواند زمینه‌ای برای پرورش ایمان و اعتقاد به آموزه‌های دینی در فراگیران ایجاد کند به صورتی که متربی بتواند در درجه نخست خالق جهان هستی، پیامبر، ائمه، عدالت و معاد را بشناسد، آن‌ها را بپذیرد و علاقه و محبت پیدا کند (داوودی، ۱۳۸۸: ۵۷). تربیت عبادی دنباله و مکمل تربیت اعتقادی است و تربیت اعتقادی بدون آن بار

ارزشی ندارد، زیرا لازمه‌ی شناخت یک دین، عمل به آموزه‌های آن است (ملکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۷). تربیت عبادی ایجاد تدریجی و گام به گام روح عبادت و بندگی و حالت تذلل نسبت به پروردگار عالم در انسان‌هاست تا مرحله‌ی رساندن آن‌ها به حد نهایی مقام عبودیت. بر اساس یافته‌های پژوهش، سه مقوله بصیرت عبادی، گرایش عبادی و رفتار عبادی، شایستگی مورد انتظار از آموزگاران در تربیت عبادی است. آموزگار باید نام و یاد خدا را در اندیشه و عمل دایمی سازد و احساس حضور در محضر خداوند در تمام زندگی‌اش جاری باشد. اگر معلمی بخواهد دانش آموزان را از عبودیت غیر خدا باز دارد و به عبودیت خداوند متعال برساند باید در ابتدا درک و فهمی عمیق نسبت به مفهوم عبادت و بندگی خداوند کسب نماید و بینایی قلبی و درونی روشنگر راه او باشد. شایستگی‌های عبادی معلمان می‌تواند در جهت افزایش شناخت دانش آموزان نسبت به معارف دینی، نقش الگویی و آموزشی داشته باشد. این آموزش زمانی اثربخش خواهد بود که در ابعاد شناختی، نگرشی و عملی انجام پذیرد.

معلم برای دانش آموزان اسوه‌ای است که هر عمل او برای دانش آموزان یک نماد است، نماد درستی، اعتماد و مقبولیت. درس‌هایی که دانش آموز از رفتار و عمل معلم می‌گیرد عمیق‌تر، پایدارتر و فراوان‌تر از درس‌هایی است که از کلام معلم می‌گیرد. بنابراین باید آگاهانه کوشیده شود پیش از سخن، در عمل با مربی حرف زده شود و به آنان آموزش صورت گیرد. این گفتار رسول اکرم، همواره باید در نظر باشد: علم در کودکی مانند نقش در سنگ است. اگر معلم آداب دینی را رعایت کند، دانش آموزان نیز به تدریج با آداب دینی خو خواهند گرفت. امام خمینی (ره) در مورد نقش معلم در تربیت عبادی فرمودند: شما اگر بتوانید این بچه‌ها را تربیت کنید به طوری که از اول بار بیایند به اینکه خداخواه باشند، توجه به خدا داشته باشند، شما اگر عبودیت الله را و پیوند با خدا را به این بچه‌ها تزریق کنید، و بچه‌ها زود قبول می‌کنند امر را، اگر عبودیت خدا را به این‌ها و تربیت الهی را و آنکه هرچه هست از اوست به این‌ها القا کنید، و آن‌ها بپذیرند، خدمت کردید به این جامعه؛ بعدها دست‌رنج‌های شما ارزشمند خواهند شد (خمینی، ۱۳۸۹: ۳۹-۴۰). دوره دبستان فرصت مناسبی برای تثبیت آداب و عادت‌های پسندید در دانش آموزان است. این دوره فرصتی است که می‌توان به کودکان کمک کرد تا گام به گام، ارزش‌های اخلاقی را در خود درونی سازند. به نحوی که در آینده، به دلیل ارزشمند بودن ارزش‌های اخلاقی، به رعایت آن‌ها

مقید شوند نه از ترس تنبیه یا کسب تشویق و تمجید. با این وجود نقش آموزگار بسیار پررنگ است.

بر اساس نتایج پژوهش، شناخت اخلاقی، احساس اخلاقی و رفتار اخلاقی شایستگی‌های مورد انتظار از آموزگاران در ساحت تربیت اخلاقی است. پژوهش غیاتو^۱ (۲۰۱۵) نیز شایستگی‌های اخلاقی معلم را در ابعاد، دانش اخلاقی، مهارت‌های اخلاقی، ارزش‌ها و نگرش‌های اخلاقی بیان کرده است. معلم باید با معیارها و ویژگی‌های فعل خوب و فعل بد و قضاوت پیرامون فضائل و رذائل اخلاقی آگاه باشد. در صدد ایجاد و تقویت احساس رضایت از انجام فعل‌های اخلاقی و احساس گناه نسبت به ترک آن‌ها باشد. معلم باید درک و فهم عمیقی از مسائل اخلاقی داشته باشد و با رفتار عملی خود برای درونی ساختن ارزش‌ها در دانش‌آموزان بکوشد. نقش الگویی معلم و التزام عملی به اصول و آموزه‌های دینی، تخلق به اخلاق اسلامی و آشنا کردن دانش‌آموزان با مسائل اخلاقی، نقش مؤثری در نائل شدن به حیات طیبه دانش‌آموزان دارد (فرمehنی و همکاران، ۱۳۹۸). معلم برای نقش آفرینی صحیح در فرایند تربیت اخلاقی باید واجد ویژگی‌های خاصی باشد. معلم خود باید اسوه و نمونه اخلاقی باشد و ارزش‌های اخلاقی را به صورت مشخص در رفتار و گفتار خود نشان دهد، زیرا پیام عملی معلم از پیام کلامی او در مورد ارزش‌های اخلاقی نافذتر است (عقیلی و همکاران، ۱۳۹۷). هنگامی که پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: من برای تکمیل فضایل و مکارم اخلاقی برانگیخته شدم، معنای رسالت پیامبر برای اخلاق بوده است و هم‌چنین با توجه به اینکه پیامبر (ص) در حدیثی دیگر می‌فرمایند انما بعثت معلما، نقش تربیتی معلمان برای تربیت اخلاقی دانش‌آموزان جلوه‌گر می‌شود. (میرشاه جعفری، کلباسی، ۱۳۸۸: ۱۸۷). استاد مطهری در کتاب تعلیم و تربیت تاکید دارد که معلم و مربی قبل از آنکه درسش را در ذهن دانش‌آموز جا بیندازد باید خودش را بر دل و دیده او بنشانند چرا که راز موفقیت یک مربی و نیاز او برای هدایت یک متربی دو چیز است: مقبولیت و محبوبیت (مطهری، ۱۳۹۸). استاد مطهری راه رسیدن به این راز و نیاز را نیز نشان می‌دهد و اشاره می‌کند که برای رسیدن به مقبولیت باید تسلط و پختگی علمی آموخت و محبوبیت بدست نمی‌آید مگر از طریق تقوا و وارستگی اخلاقی.

۱. Ghiatau

با توجه به نقش بی بدیل معلم و جایگاه حساس آموزگار در نظام آموزشی و تاثیر شایستگی‌های او بر ایفای این نقش، آگاهی و شناخت از این شایستگی‌ها ضروری می‌باشد. از آنجایی که ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی در ساحت‌های دیگر سند تحول جلوه‌گری می‌کند ضرورت توجه به شایستگی‌های معلم در این ساحت بیش از پیش باید مورد توجه قرار گیرد. پس از شناسایی شایستگی‌های آموزگاران در ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی پیشنهاد می‌شود که این شایستگی‌ها همانند راهنمای عمل و چراغ راه برای طراحی و برنامه‌ریزی برنامه‌های تربیت معلم و هم‌چنین آموزش‌های ضمن خدمت معلمان از طریق دوره‌های دانش افزایی و مهارت آموزی مورد توجه قرار گیرد و به کسب و ارتقای این صلاحیت‌ها در دانشجو معلمان و آموزگاران پرداخت. هم‌چنین بر مبنای شناخت این شایستگی‌ها می‌توان به طراحی و سپس ارزیابی برنامه درسی تربیت معلم اقدام نمود چرا که هدف اساسی برنامه درسی تربیت معلم آموزش پایه معلمان و پرورش شایستگی‌های حرفه‌ای در آن‌ها است.

فهرست منابع

- اشتراوس، آنسلم و جولیت کوربین، (۱۳۹۳)، اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بازرگان، عباس، (۱۳۹۹)، مقدمه ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته، انتشارات دانشگاه تهران.
- پاک‌سرشت، محمد، (۱۳۹۷)، جایگاه تربیت اعتقادی در برنامه درسی دین و زندگی دوره دوم متوسطه و آسیب‌شناسی آن، فصلنامه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، (۹)، ۶۶-۴۹.
- ترینیکی، مرتضی. (۱۳۸۸). نقش برنامه‌های درسی و فعالیت‌های فوق برنامه در تبیین تربیت دین از دیدگاه معلمان و مربیان پرورشی شهر قوچان، دانشگاه علامه طباطبائی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- جاویدان، لیدا، اسماعیلی، عبدالله، شجاعی، علی اصغر، (۱۳۹۷)، تدوین الگوی ویژگی‌ها و شایستگی‌های معلمی بر اساس اسناد بالادستی آموزش و پرورش، پژوهش در نظام‌های آموزشی، ویژه نامه بهار: ۱۱۳۶-۱۱۲۳.
- خمینی، سید روح الله، (۱۳۸۹)، صحیفه امام خمینی، ج ۱۴، قم: موسسه تنظیم و نشر امام خمینی (س).
- داوودی، محمد، (۱۳۹۸)، نقش معلم در تربیت دینی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- داوودی، محمد، (۱۳۸۸)، تأملی در هدف تربیت اعتقادی، تربیت اسلامی، (۹): ۶۱-۴۷.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۹۳)، سیری در تربیت اسلامی، تهران: دریا.

- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رضایی، منیره، (۱۳۹۸)، شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان: گذشته، حال، آینده، تعلیم و تربیت، (۳۵) ۱۳۸-۱۵۰-۱۲۹.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی و حمید نجفی جزه‌ای، (۱۳۹۳)، تربیت عبادی از منظر قرآن، علم و قرآن، (۸) ۱۴، ۱۲۰-۸۵.
- ساجدی، ابوالفضل و حسین خطیبی، (۱۳۹۱)، تربیت اعتقادی و شاخص‌های آن. تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک.
- سیلور، جی گالن، الکساندر، ویلیام ام و لویس، آرتور جی، (۱۳۹۲)، برنامه ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر. ترجمه غلامرضا خوی نژاد، مشهد: آستان قدس رضوی، به نشر.
- شجاعی زند، علیرضا، (۱۳۸۸)، تبارشناسی تجربه دینی در مطالعات دین داری. فصل نامه تحقیقات فرهنگی (۶). ۳۱-۴۷.
- شریعتمداری، علی، (۱۳۹۹)، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عباباف، زهره؛ فراستخواه، مقصود و فائزه قدوسی، (۱۳۹۹)، شایستگی‌های معلمی از نگاه کنشگران عرصه تربیت: نقاط اشتراک و تمایز. تعلیم و تربیت، (۳۶) ۱۴۱، ۸۳-۱۰۶.
- عقیلی، سید رمضان؛ علم الهدی، جمیله و کوروش فتحی واجارگاه، (۱۳۹۷)، طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی در دوره ابتدایی نظام آموزشی ایران، تدریس پژوهی، (۶) ۴، ۱-۲۳.
- فرمهبینی فراهانی؛ محسن، حسینی؛ فاطمه، احمدآبادی و نجمه آرانی، (۱۳۹۸)، بررسی جایگاه حیات طیبه در سند تحول بنیادین و تبیین راهکارهای تحقق آن در آموزش و پرورش، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، (۲۷) ۴۲، ۷۹-۱۰۴.
- کانت، ایمانوئل، (۱۳۹۲)، تعلیم و تربیت: اندیشه‌هایی درباره آموزش و پرورش، ترجمه غلامحسین شکوهی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گال، مریدیت؛ بورگ، والتر و جوئیس گال، (۱۳۹۱)، روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی، ترجمه احمدرضا تصر اصفهانی و همکاران، تهران: سمت، دانشگاه شهید بهشتی.
- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۹۰)، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- مدور، معصومه؛ فرمهبینی فراهانی، محسن و بهشتی، سعید، (۱۳۹۹)، مبانی تربیت اخلاقی در نظریه انسان‌شناسی شهید مطهری، پژوهش در مسائل تربیت اسلامی، (۲۸) ۴۸، ۵-۳۰.
- محمدی، طالب؛ حسنی، رفیق و محمدی، مجید، (۱۳۹۸)، مدل بومی ارتقای آگاهی و نگرش معلمان استان کردستان نسبت به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، فصلنامه علمی تدریس پژوهی، (۷) ۳: ۲۴۳-۲۶۴.

- مطهری، مرتضی، (۱۳۹۸)، *تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران: انتشارات صدرا.
- ملکی، حسن؛ شاملی، عباسعلی و مهدی شکرالهی، (۱۳۹۰)، *تربیت عبادی در کودکان، اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، (۳(۱)، ۱۰۵-۱۳۲.
- ملکی، حسن، (۱۳۹۱)، *صلاحیت‌های حرفه معلمی*، تهران: انتشارات مدرسه.
- موسوی، سید ابوالقاسم؛ جواهری، محمدرضا و ایوب اکرمی، (۱۳۹۶)، *روش‌های ایجاد و تعمیق باور به وجود خداوند در تربیت اعتقادی بر اساس سیره‌ی امام رضا. آموزه‌های تربیتی در قرآن و سنت*، (۳(۲)، ۸۹-۱۰۶.
- میرشاه جعفری، ابراهیم و افسانه کلباسی، (۱۳۸۸)، *دیدگاه برنامه درسی اخلاق مدار با تکیه بر پرورش منش. معرفت اخلاقی*، (۱(۱)، ۱۹۴-۱۷۱.
- مهرمحمدی، محمود. (۱۳۹۲). *بازاندیشی فرایند یاددهی- یادگیری و تربیت معلم*. تهران: انتشارات مدرسه.
- میرعرب، فرج اله، (۱۳۹۲)، *تربیت اعتقادی و معنوی با نگاه قرآنی*، قم: نشر بوستان.
- نقیب زاده، میرعبدالحسین، (۱۳۹۱)، *گفتارهایی در فلسفه و فلسفه تربیت*، تهران: انتشارات طهوری.
- نوروزی نژاد، محمد و مینو طباطبایی، (۱۳۹۹)، *رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی در ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش، حیات طیبه*، (۷(۲)، ۳۵-۴۶.
- نیستانی، محمدرضا، (۱۳۹۱)، *کلاسی از جنس واقعه: درس‌هایی که از استاد غلامحسین شکوهی آموخته‌ام*، اصفهان: آموخته.
- Bischoff, K. (2016), "The Civic Effects of Schools: Theory and Empirics", **Theory and Research in Education**, 14 (1), 91-106.
<http://dx.doi.org/10.1177/1477878515619794>.
- Chiang, Tiem Hui; Trezise, Damien. (2021). How teacher competence functions as an institutionalised discourse in the epoch of globalization. **Cambridge Journal of Education**. 51: 105-125.
- Ghiatau, Roxana Maria (2015). Ethical Competence for Teachers: A Possible Model. **Symposion** 2(3):387-403.
- Halloway, I, Wheeler, S (2009). **Qualitative research in nursing and healthcare**, Wiley-Blackwell.
- Redjeki1, Sukirman2, Santoso. (2021). Education and Training Technology Increases Teacher Competence. **Journal of Physics: Conference Series**, 1823: 1-7.



